

تحلیل تئوریک نقش پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده در سیاست خارجی و امنیتی آن کشور در قبال جمهوری اسلامی بر مبنای مکتب پاریس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

نیما رضایی*

مجتبی شریعتی**

چکیده

پیشه‌وران (یا تخصصی‌های) امنیت یکی از مفاهیم اصلی مکتب پاریس می‌باشد و به کنش‌گرانی غیردولتی اطلاق می‌گردد که هم تهدیدهای متوجه یک کشور را و هم نحوه مقابله با این تهدیدها را تعریف می‌نمایند. بنابراین می‌توان گفت که پیشه‌وران امنیت که نقش سیاسی آنان در حوزه عمومی و رسانه‌ای کم‌تر قابل مشاهده است و ادعای دارا بودن شناخت امنیتی را دارند، در تعریف مشکلات سیاسی-امنیتی دارای مشروعیت خودخوانده و قدرت هستند. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال اصلی که پیشه‌وران امنیت چه نقشی را در سیاست خارجی و امنیتی ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایفا می‌نمایند؟ این فرضیه را ارائه می‌دهد که «پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده با انجام چهار اقدام: (۱) ایجاد «رژیم حقیقت» و برجسب «واقعیت» زدن به تنها نوع خاصی از «شناخت» در مورد جمهوری اسلامی و معرفی آن به‌عنوان پدیده‌ای «یاغی، حامی تروریسم، برهم‌زننده نظم موجود و امثالهم» و مبتنی نمودن «شناخت» جامعه و نخبگان ایالات متحده از جمهوری اسلامی بر همین مبنای (۲) تعریف و (بر) ساخت [یا تکوین] جمهوری اسلامی به‌مثابه یک تهدید و پدیده موجد ناامنی متوجه منافع، ملت و متحدان ایالات متحده؛ (۳) امنیتی‌کردن جمهوری اسلامی و (۴) تعریف شیوه‌های مقابله با جمهوری اسلامی در سیاست‌هایی نظیر تهاجم نظامی و تهدید به آن، تغییر نظام، مهار، تحریم و نفوذ؛ به سیاست خارجی و امنیتی ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی شکل می‌دهند. واژگان کلیدی: مکتب پاریس - پیشه‌وران (یا تخصصی‌های) امنیت، امنیتی‌کردن، رژیم حقیقت، ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران.

صفحات: ۱۵۲-۱۲۷

* استادیار گروه روابط

بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی

(نویسنده مسئول).

nri2020@gmail.com

** استادیار گروه علوم

سیاسی، دانشگاه یاسوج.

m.shariati17@gmail.com

com

مقدمه

«مکتب پاریس» یا آن‌گونه که «دیدیه بیگو» آن‌را «جامعه‌شناسی سیاسی بین‌المللی (IPS)»^۱ می‌خواند، به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش حاضر دارای انگاره‌ها و مفاهیم عمیقی نظیر «امنیتی‌کردن»، «پیشه‌وران (یا تخصصی‌های) امنیت»^۲، «تمرکز بر (in)security یا امنیت برای عده‌ای و (هم‌زمان) ناامنی برای عده‌ای دیگر»، «حمایت از ادغام قلمرو داخلی و بین‌المللی»، «نقد مفهوم مرز»، «تعریف کارکردهایی متفاوت از کارکردهای فعلی برای پلیس و ارتش»، «توجه به تهدیدهای با عیار جدید [یا تهدیدهای فراگذرنده]^۳» و ... می‌باشد (مصلحی و رضایی ۱۳۹۹: ۱۶۳-۱۵۳).

در این پژوهش یکی از این انگاره‌ها و مفاهیم اصلی «مکتب پاریس» یعنی مفهوم «پیشه‌وران امنیت» مورد بررسی قرار می‌گیرد. با محور قرار دادن این مفهوم، در این پژوهش به بررسی بخشی از سؤالات مهم در حوزه سیاست خارجی و سیاست امنیتی ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی پرداخته می‌شود. این‌که چرا از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ تاکنون تنها گزینه‌هایی با ماهیت سخت نظیر تهاجم نظامی و تهدید به آن، تغییر نظام، مهار، تحریم و نفوذ (با ماهیت نرم) مورد تأکید روسای جمهور ایالات متحده قرار داشته و تنها اولویت به‌کارگیری آن‌ها تغییر نموده است؟ این‌که علی‌رغم تمایل طرف ایرانی به برقراری روابط دوستانه و ارسال سیگنال‌های مثبت به طرف آمریکایی هم در دولت سازندگی و هم در دولت اصلاحات، بازهم این گزینه‌ها از روی میز برداشته نشدند؟ این‌که چرا پس از صدور فرمان اجرایی ۱۲۱۷۰ توسط «جیمی کارتر» در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ و اعلام جمهوری اسلامی به‌عنوان یک تهدید غیر معمول و فوق‌العاده متوجه امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصاد ایالات متحده و در نتیجه اعلام وضعیت اضطراری ملی در مورد ایران (Federal Register 1979)، تمامی روسای جمهوری بعدی ایالات متحده اعم از جمهوری‌خواه یا دموکرات یعنی،

1. International Political Sociology (IPS)
2. professionals of security
3. transversal threats

ریگان، بوش پدر، کلinton، بوش پسر، اواما (حتی پس از امضای برجام) و ترامپ نیز این وضعیت را همه‌ساله تمدید نموده‌اند؟

به‌نظر نگارندگان، این سؤالات و سؤالات دیگری از این دست را می‌توان با بهره‌گیری از مفاهیم و انگاره‌های مکتب پاریس، بالأخص مفهوم «پیشه‌وران امنیت» را پاسخ داد. پیش از بررسی سؤال اصلی و فرضیه این پژوهش، ذکر این نکته ضروری می‌نماید که اگرچه مفهوم «پیشه‌وران امنیت» در این پژوهش محور قرار داده می‌شود، لکن به‌دلیل درهم‌تنیدگی مفاهیم، استفاده از دیگر مفاهیم مکتب پاریس نیز ضروری است و بدون استفاده از آن مفاهیم تحلیل موضوع و پاسخ به سؤال اصلی ابتر و ناقص خواهد ماند. به این دلیل مکتب پاریس به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش حاضر انتخاب گردیده است. بنابراین، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال اصلی که «پیشه‌وران امنیت چه نقشی را در سیاست خارجی و امنیتی ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایفا می‌نمایند؟» این فرضیه را ارائه می‌دهد که «پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده با انجام چهار اقدام: ۱) ایجاد «رژیم حقیقت» و برچسب «واقعیت» زدن به تنها نوع خاصی از «شناخت» در مورد جمهوری اسلامی و معرفی آن به‌عنوان پدیده‌ای «یاغی، ددمنش، حامی تروریسم، برهم‌زننده نظم موجود، سرکوب‌گر، ستیزه‌جو، دارای روحیه پرخاش‌گرانه و امثالهم» و مبتنی نمودن «شناخت» جامعه و نخبگان ایالات متحده از جمهوری اسلامی بر همین مبنای؛ ۲) تعریف و (بر)ساخت [یا تکوین] جمهوری اسلامی به‌مثابه یک تهدید و پدیده موجد ناامنی متوجه منافع، ملت و متحدان ایالات متحده؛ ۳) امنیتی‌کردن جمهوری اسلامی؛ و ۴) تعریف شیوه‌های مقابله با جمهوری اسلامی در سیاست‌هایی نظیر تهاجم نظامی و تهدید به‌آن، تغییر نظام، مهار، تحریم و نفوذ؛ به سیاست خارجی و امنیتی ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی شکل می‌دهند».

هم‌چنین به‌واسطه بررسی و تدقیق در امکان تغییر در سیاست خارجی و امنیتی ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران (البته با بهره‌گیری از چارچوب نظری مکتب پاریس)، این فرضیه فرعی را ارائه می‌دهد: «تا

زمانی که: ۱) «رژیم حقیقت» ایجاد شده توسط پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده در مورد جمهوری اسلامی تغییر نماید و انواع دیگری از «شناخت» در مورد جمهوری اسلامی اجازه به رسمیت شناخته شدن نداشته باشد؛ و/یا ۲) تعریف ارائه شده از جمهوری اسلامی به‌عنوان یک تهدید و روش‌های مقابله با این تهدید توسط پیشه‌وران امنیت از طرف دولت مردان و سیاست‌مداران مختلف ایالات متحده رد نگردد؛ احتمال و امکان تغییر ماهوی در سیاست‌های ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی وجود نخواهد داشت».

بدین منظور لازم است که در ابتدا «مکتب پاریس» و سپس دو انگاره و مفهوم اصلی آن یعنی «پیشه‌وران امنیت» و «تمرکز بر (in)security یا امنیت برای عده‌ای و (هم‌زمان) ناامنی برای عده‌ای دیگر» به صورت اجمالی مورد بحث قرار گیرد. در ادامه توضیحاتی کلی در خصوص سیاست‌های ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ ارائه شده و در بخش پایانی نیز این سیاست‌ها با استفاده از آموزه‌های «مکتب پاریس» مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

چارچوب نظری: مکتب پاریس یا جامعه‌شناسی سیاسی بین‌المللی (IPS)

«اوله ویور» در مقاله معروف خود با عنوان «مکاتب جدید ابرستویث، کپنهاگ و پاریس در نظریه امنیتی و ریشه‌های آن‌ها بین مرکز و پیرامون» که در نشست سالانه انجمن مطالعات بین‌الملل که در ۱۷ تا ۲۰ مارس سال ۲۰۰۴ در شهر مونترال کانادا برگزار گردید ارائه داد، عنوان می‌دارد: «مکتب پاریس مکان اصلی تحول نظری متمایزی بوده که عمدتاً از بورديو و دیگر جامعه‌شناسان الهام گرفته شده و با تأسی از فوکو و تعهد به بررسی دقیق و تجربی کردارهای واقعی از طریق کارگزاری‌های مختلف طی طریق می‌نماید- کردارهایی که اغلب، الگوها و فرآیندهای مغایر با آن‌هایی که از طریق بررسی گفتمان رسمی شناخته می‌شوند را نشان می‌دهند.

«دیدیه بیگو» شخصیت اصلی این تحول و فصل نامه فرهنگ‌ها و منازعات تعدادی از کارهای مهم در رابطه با این برنامه پژوهشی را منتشر نموده است.

هم‌چنین «جف هیوزمنز»^۱ که به‌طور گسترده‌ای در باب «مکتب» متفاوت جدید مطلب نوشته است، مفروضات و دلالت‌های مهم «رویگرد پاریس» را روشن و مفصل بیان کرده است (Wæver 2004: 10-11). در مطلبی که توسط جمعی از محققان انتقادی امنیت با ملیت، جنسیت، زبان‌ها و نژادهای مختلف تهیه گردیده، درباره «مکتب پاریس» عنوان گردیده: «برای مکتب پاریس، دو عامل هم‌گرا، شکل‌دهی مجدد مفهوم (عدم) امنیت [امنیت برای عده‌ای و هم‌زمان ناامنی برای عده‌ای دیگر]^۲ را توضیح می‌دهد. غیرامنیتی کردن از طریق گفتمان‌های اطمینان‌بخش یا تکنیک‌های مختلف حفاظت (مانند دوربین‌های ویدئویی)، همواره نمی‌تواند ناامنی را کاهش و اطمینان به امر سیاسی را افزایش دهد. امنیت نقطه مقابل [یا نقیض] ناامنی نیست. امنیت شرایط آن‌چه که به‌عنوان ناامنی (مخاطره و تهدید) در نظر گرفته می‌شود را تعریف می‌کند؟ ناامنی [ناشی از عملکرد] پلیس حالتی از حکومت‌مندی است که خطوط هراس و عدم‌آسایش را در سطح فردی و جمعی ترسیم می‌نماید (C.A.S.E. Collective 2006: 457).

مؤلفه دوم که مقابله با آن دشوار می‌باشد، ظهور و تثبیت شبکه‌های حرفه‌ای کارگزاری‌های امنیتی است که تلاش می‌کنند تا حقیقت درباره خطر و عدم‌آسایش را به‌واسطه پیوند قدرت-شناخت به‌انحصار خود درآورند. این تصور از امنیت به فهم متفاوتی از امنیتی کردن به‌معنای ظرفیت کنترل مرزها، مدیریت تهدیدها، تعریف هویت‌های خطرناک و ترسیم حوزه‌های نظم اشاره دارد. از این‌رو [کانون] توجه ما به سه شکل تغییر می‌کند: اولاً، به‌جای تحلیل امنیت به‌عنوان یک مفهوم اساسی، مکتب پاریس در مقابل پیشنهاد می‌کند که امنیت به‌عنوان «تکنیک [یا فن] حکومت» تلقی گردد. ثانیاً، به‌جای بررسی نیت پشت استفاده از قدرت، این رویکرد بر تأثیرات بازی‌های قدرت تمرکز می‌کند.

ثالثاً، به‌جای تمرکز بر «کنش‌گفتاری»، مکتب پاریس بر روی رویه‌ها [یا کردارها]، مخاطبان و زمینه‌هایی که تولید اشکال خاص حکومت‌مندی را

1. Jef Huysmans
2. (in)security

مقدور و محدود می‌سازند، تأکید می‌کند. در نتیجه، این رویکرد استدلال می‌نماید که امروزه، حوزه امنیت نه تنها از طریق قدرت فرمان‌روا برای کشتن بلکه از طریق توانایی گفتمانی برای تولید تصویری از دشمن که مخاطبان آن را تشخیص دهند، تعیین می‌شود. تمام فرایندهای امنیتی کردن، با «حوزه‌ای از امنیت متشکل از گروه‌ها و نهادهایی که خود را مجاز به تعیین چیستی امنیت می‌دانند» ارتباط دارند. بنابراین، به منظور بررسی امنیتی کردن، باید بر ایجاد شبکه‌ای از پیشه‌وران (عدم) امنیت، نظام‌های معنایی که آن‌ها ایجاد می‌کنند و قدرت مولد رویه‌ها [یا کردارهای] آن‌ها تمرکز کرد» (C.A.S.E. Collective 2006: 457).

بررسی دو انگاره و مفهوم اصلی مکتب پاریس

الف. پیشه‌وران امنیت

یکی از اصطلاحات و مفاهیمی که به طور مکرر در ادبیات «بیگو» و دیگر محققان مکتب پاریس تکرار می‌گردد اصطلاح «پیشه‌وران (یا حرفه‌ای‌ها یا تخصصی‌های) امنیت» می‌باشد. وی معتقد است که «تحلیل امنیت، مخصوصاً در نظریه روابط بین‌الملل نسبت به رویه‌های اجتماعی پیشه‌وران امنیت بسیار بی‌توجه می‌باشد» (Bigo 2000: 98). «هیوزمنز» در رابطه با این مفهوم متذکر می‌گردد «پیشه‌وران که گاهی با عنوان «متخصصان امنیتی» از آن‌ها یاد می‌شود، مشروعیت و قدرت خود در تعریف مشکلات سیاسی را از شناخت و مهارت‌های تعلیم دیده و از استفاده مداوم از این موارد در کار خود کسب می‌نمایند. گفتمان، عادات جاری و به‌طور کلی تر نقش سیاسی آن‌ها اغلب در حوزه عمومی و رسانه‌ای کم‌تر قابل مشاهده است.

اگر کسی بخواهد به صورت مشخص درک نماید که حوزه‌های ناامنی چگونه تعدیل [یا میزان] می‌گردد، نادیده گرفتن یا کم‌تر از حد واقعی ارزیابی کردن نقش پیشه‌وران [یا حرفه‌ای‌ها یا تخصصی‌ها]، اشتباه است. در جوامع دیوان‌سالار شده و حرفه‌ای شده - در هر دو حوزه عمومی و خصوصی (به‌عنوان مثال اقتصاد) - هم فن‌آوری‌ها و هم متخصصان نقش به‌شدت

مهمی در تعدیل [یا میزان نمودن] رویه‌های اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کنند» (Huysmans 2006: 8-9). لازم به ذکر است که «پیشه‌وران امنیت، کنش‌گرانی غیردولتی هستند» (Stevens & Vaughan-Williams 2016: 20). «هیوزمنز» هم‌چنین عنوان می‌دارد: پیشه‌وران امنیت، اقتدار خود را از متخصص بودن در تعریف ناامنی‌ها به‌دست می‌آورند. شناخت امنیتی^۱ هم‌واره شناخت در مورد خطرات و شناخت در مورد این مطلب که ما چرا و چگونه باید از این خطرات بترسیم می‌باشد. متخصصان امنیت معمولاً و به‌طور گسترده‌ای چگونگی تحمل عدم‌آسایش، ترس و ناامنی و بازخورد آن‌ها در سیاست را بازتاب نمی‌دهند (Huysmans 2004: 323-324).

ب. تمرکز بر *in* security یا امنیت برای عده‌ای و (هم‌زمان) ناامنی برای عده‌ای دیگر استفاده از اصطلاح *in* security که دلالت بر وضعیت امنیت برای عده‌ای و (هم‌زمان) ناامنی برای عده‌ای دیگر دارد، یک تعمد نظری و مفهومی در باب خط‌کشی بین مکتب پاریس با دیگر مکاتب امنیتی، حتی مکتب کپنهاگ (علی‌رغم برخی نکات اشتراک) می‌باشد. «دیدیه بیگو» درخصوص ماهیت «امنیت» عنوان می‌دارد «نه‌تنها ممکن است که امنیت موجد ناامنی گردد، بلکه بر فرض یک انتخاب و قربانی کردن یک بازیگر به نفع بازیگر دیگر شکل می‌گیرد. امنیت نمی‌تواند جهانی و برای همه باشد. امنیت برنده و بازنده دارد. رویه‌های امن‌نمودن برخی، هم‌زمان رویه‌های ناامن کردن دیگران می‌باشد» (Bigo 2008: 123).

مطابق این نگرش می‌توان گفت که هرگاه «امنیت» برای عده‌ای ایجاد و برقرار گردد، (هم‌زمان) عده‌ای دیگر ناامن خواهند شد. علت در پراتنز قرار دادن *in* که در زبان فارسی به‌صورت (عدم) امنیت ترجمه می‌گردد و معنای امنیت برای عده‌ای و (هم‌زمان) عدم امنیت یا ناامنی برای عده‌ای دیگر را بر ذهن متبادر می‌سازد نیز از این استدلال و دیدگاه محققان مکتب پاریس نشأت می‌گیرد که «امنیت» برای همه نیست و برنده و بازنده دارد. نکته دیگری که در رابطه با چرایی در پراتنز قرار دادن *in* در اصطلاح *in* security می‌توان

ذکر نمود توجه به این استدلال «بیگو» است که «تعریف آن چه که امنیت می باشد در رابطه با آن چه که ناامنی است، یک مبارزه سیاسی بین بازیگرانی است که توانایی اعلام توأم با اقتدار نسبی [این مباحث] را دارند که امنیت چه کسی مهم است، امنیت چه کسی می تواند قربانی شود و [این که] چرا وقتی خشونت دیگران به عنوان نوعی تجاوزگری و نشانه ناامنی در نظر گرفته می شود، خشونت خود آن ها را می توان به عنوان نوعی از حفاظت دید» (Bigo 2008: 123).

بنابراین تعریف و اعلام یک حالت یا وضعیت به عنوان «امنیت» یا «ناامنی» به اراده بازیگر (ان) سیاسی یا اصطلاحاً بازیگر (ان) امنیتی کننده دارد. از منظر مکتب پاریس این «امنیت» و بازیگر (ان) امنیتی کننده است که «ناامنی» را مشخص می سازد و هیچ مرجع ثابتی جز سیاست برای تعیین «امنیت» و «ناامنی» وجود ندارد. ضمناً با توجه به توضیحات ارائه شده می توان گفت که اصطلاح پیشه‌وران امنیت چه به صورت فعلی ذکر گردد، چه به صورت پیشه‌وران (عدم) امنیت ذکر گردد، یکی است و تفاوتی با هم ندارند.

سیاست‌های ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به صورت کلی می توان استدلال نمود که سیاست‌هایی نظیر تهاجم نظامی و تهدید به آن، تغییر نظام، مهار، تحریم، تغییر رفتار و نفوذ از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ روی میز و مورد استفاده روسای جمهور ایالات متحده قرار داشته است.

جدول شماره یک: سیاست‌های اعمالی روسای جمهور ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی

ردیف	نام رئیس جمهور	بازه زمانی	سیاست‌های اعمالی
۱	جیمی کارتر	۲۰ ژانویه ۱۹۷۷ لغایت ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱	تهاجم مستقیم نظامی (حمله طیس) تلاش در راستای Regime Change (حمایت از کودنای نقرچام نوزه) اعمال تحریم‌های اقتصادی جدید
۲	رونالد ریگان	۲۰ ژانویه ۱۹۸۱ لغایت ۲۰ ژانویه ۱۹۸۹	تهاجم مستقیم نظامی (انجام درگیری‌های نظامی با نیروهای ایرانی در خلیج فارس) تلاش در راستای Regime Change - اعمال تحریم‌های اقتصادی جدید
۳	جرج هربرت واکر بوش	۲۰ ژانویه ۱۹۸۹ لغایت ۲۰ ژانویه ۱۹۹۳	مهار (لقون عدم اشاعه تسلیحاتی ایران - عراق) ادامه تحریم‌های اقتصادی قبلی
۴	ویلیام جی. کلینتون	۲۰ ژانویه ۱۹۹۳ لغایت ۲۰ ژانویه ۲۰۰۱	مهار دو جانبه - تحریم‌های اقتصادی جدید (بسیار شدیدتر از گذشته) تلاش در راستای Regime Change - تلاش جهت تغییر رفتار جمهوری اسلامی
۵	جورج واکر بوش	۲۰ ژانویه ۲۰۰۱ لغایت ۲۰ ژانویه ۲۰۰۹	حضور نظامی در دو کشور همسایه ایران و تهدید به تهاجم نظامی - ادامه تحریم‌های اقتصادی قبلی - تلاش در راستای Regime Change - مهار
۶	باراک حسین اوباما	۲۰ ژانویه ۲۰۰۹ لغایت ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷	تلاش در راستای Regime Change - اعمال تحریم‌های اقتصادی جدید (به اصطلاح آمریکایی‌ها تحریم‌های فلج‌کننده) تهدید به تهاجم نظامی - تلاش جهت تغییر رفتار ایران - نفوذ تلاش جهت عدم بهره‌مندی ایران از مزایای برجام (به‌ادعای مقامات رسمی جمهوری اسلامی)
۷	دانلد جی. ترامپ	۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ لغایت ۲۰ ژانویه ۲۰۲۱	اعمال تحریم‌های اقتصادی جدید در کنار اعاده تحریم‌های ثانویه تعلیق شده توسط برجام تلاش در راستای Regime Change - ترور مقام رسمی جمهوری اسلامی (شهید حاج قاسم سلیمانی)

منبع: نگارندگان

سه نمونه از مصادیق پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده

در این پژوهش تنها به ذکر سه مصداق پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده، به‌عنوان کنش‌گرانی غیردولتی پرداخته می‌شود. بدیهی است که اگر محدودیت‌های معمول مقالات علمی-پژوهشی نبود، می‌شد به مصادیق دیگری نظیر «موسسه بروکینگز»، «مرکز مطالعات راهبردی و بین‌الملل»^۱، «مرکز ویلسون»، «موسسه مطالعات جنگ»^۲، «موسسه سیاست خاور نزدیک و اشنگتن»^۳، «موسسه کارنگی برای صلح بین‌الملل»، «موسسه علوم و امنیت بین‌الملل»^۴، «فدراسیون دانشمندان آمریکایی»^۵، «دفتر [خدمات پژوهشی کنگره]»^۶ و ... نیز اشاره نمود.

الف. ایپک (AIPAC)

جهت معرفی «ایپک» به ذکر توضیحات مندرج در تارنمای این گروه بسنده می‌گردد. "مأموریت ایپک- کمیته امور عمومی اسرائیل آمریکا- تقویت و گسترش رابطه آمریکا- اسرائیل به‌شیوه‌هایی می‌باشد که امنیت ایالات متحده و اسرائیل را [به‌صورت هم‌زمان] افزایش دهد. ما در مورد پیوندهایی که دو کشور را متحد می‌سازد، با تصمیم‌گیرندگان وارد تعامل شده و [به آن‌ها] می‌آموزیم که چگونه تقویت این پیوندها بهترین منافع [را برای] آمریکا [به‌بار می‌آورد] و [هم‌زمان] به تضمین این موضوع که دولت یهودی هم‌چنان امن، قدرت‌مند و ایمن باقی بماند، کمک می‌نماید" (American Israel Public Affairs Committee 2020).

در تارنمای «ایپک» و در بخش «دستورکارهای سیاسی»، جمهوری اسلامی به‌عنوان یک تهدید (هم برای ایالات متحده و هم اسرائیل) تعریف شده و آمده است: "ما در راستای پرداختن به تهدیدهای مشترک علیه امنیت آمریکا و اسرائیل، از جمله سد نمودن [مسیر] دست‌یابی ایران به تسلیحات هسته‌ای، رسیدگی به تجاوزات منطقه‌ای ایران و مبارزه با تروریسم تلاش می‌نمائیم" (American Israel Public Affairs Committee 2020 a).

1. Center for Strategic and International Studies (CSIS)
2. Institute for the Study of War (ISW)
3. Washington Institute for Near East Policy
4. Institute for Science and International Security (ISIS)
5. Federation of American Scientist (FAS)
6. Congressional Research Service (CRS)

ب. بنیاد دفاع از دموکراسی (FDD)

«بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD)» یکی دیگر از اندیش‌کده‌ها (یا هیأت‌های اندیشه‌ورز) آمریکایی است که جزو مصادیق بارز پیشه‌وران امنیت قرار می‌گیرد. مطابق توضیحات تارنمای «(FDD)»: «FDD تحقیقات عمیقی انجام می‌دهد، تحلیل‌های دقیق و به‌موقعی ارائه می‌دهد، فعالیت‌های غیرقانونی را شناسایی نموده و گزینه‌های سیاسی [یا سیاست‌گذارانه] را عرضه می‌دارد - تمامی [این موارد را] با هدف تقویت امنیت ملی ایالات متحده و کاهش یا از بین بردن تهدیدهای ناشی از حریفان و دشمنان ایالات متحده و دیگر ملت‌های آزاد [انجام می‌دهد]». (Foundation for Defense of Democracies 2020) در تارنمای این اندیشکده و در بخش «برنامه ایران»، در رابطه با آنچه که تهدید ایران خوانده شده، چنین عنوان گردیده است:

«به‌منظور پرداختن به تهدیدهایی [که از ناحیه] جمهوری اسلامی ایران متوجه آمریکا و متحدان آن می‌گردد، FDD تحقیقات مفصلی انجام می‌دهد، گزینه‌های سیاسی [یا سیاست‌گذارانه] قابل اجرا و جامعی را تدوین می‌کند و به‌طور منظم در رسانه‌ها حضور می‌یابد. تیم [بررسی] ایران در FDD [که] از زوایای مختلف، مجموعه فعالیت‌های ایران را رصد می‌نماید، از برخی کارشناسان برجسته و اشنگتن در حوزه تحریم‌ها، تأمین مالی غیرقانونی، عدم اشاعه، تروریسم، حقوق بشر و دستگاه‌های قدرت داخلی جمهوری اسلامی ایران تشکیل گردیده است. موضوعاتی که توسط FDD مورد بررسی قرار گرفته شامل مسیرهای بالقوه ایران جهت [دستیابی به] سلاح هسته‌ای، برنامه موشک‌های بالستیک، حمایت از تروریسم و گروه‌های تروریستی نیابتی، فعالیت‌های تأمین مالی غیرقانونی، عملیات رسانه‌ای در سراسر جهان و سرکوب داخلی می‌باشد» (Foundation for Defense of Democracies 2020 a).

ج. موسسه امریکن اینترپرایز (AEI)

سومین مصداق بارز پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده، «موسسه امریکن اینترپرایز» می‌باشد که در سال ۱۹۴۳ تأسیس گردیده است. در تارنمای این موسسه آمده است: «موسسه امریکن اینترپرایز اندیش‌کده‌ای (یا هیأتی

اندیشه‌ورز] [در حوزه] سیاست‌گذاری عمومی است که [مסاعی خود را در راستای انجام فعالیت‌هایی نظیر] دفاع از کرامت بشر، گسترش پتانسیل‌های انسانی و ساختن جهانی آزادتر و ایمن‌تر تخصیص داده است. تلاش محققان و پرسنل ما [در راستای] ترویج ایده‌هایی است که ریشه در اعتقاد ما به دموکراسی، سرمایه‌گذاری آزاد، [تثبیت] قدرت آمریکا و [تداوم] رهبری جهانی، هم‌بستگی با آن‌هایی که در حاشیه جامعه ما هستند و [باور به] یک فرهنگ مشکل‌گشا [و کارآفرین] [کثرت‌گرایانه دارد]» (American Enterprise Institute 2021).

این موسسه دارای بخشی تحت عنوان «تهدیدهای حیاتی» [و مهم متوجه ایالات متحده] «می‌باشد. این اندیشکده، «ایران» را یکی از تهدیدهای حیاتی [و مهم متوجه ایالات متحده] معرفی نموده است و در توضیح آن آورده است: «جمهوری اسلامی ایران دولتی مذهبی [و دین‌سالار] [انقلابی] [و برهم‌زننده نظم موجود] است که در سال ۱۹۷۹ [و] در پی سرنگونی آخرین شاه [ایران]، محمدرضا پهلوی، شکل گرفت. آیت‌... العظمی روح... خمینی فلسفه دینی که اساس [فکری] رژیم فعلی ایران می‌باشد را به صورت تمام عیار پیاده ساخت. مخصوصاً، وی این اصل [بنیادین] را بنیان نهاد که تنها حاکم مشروع بر یک کشور مسلمان، فقیهی است که به بهترین وجه صلاحیت [و شایستگی] [تفسیر قرآن، سنت‌های حضرت محمد] [صلی... علیه و آله و سلم] [حدیث] و امام اول، علی بن ابی‌طالب [علیه آلاف التحية و الثناء]، و [حکومت براساس] رفتار سنتی جوامع اولیه مسلمان را دارا می‌باشد» (American Enterprise Institute 2021a).

تحلیل نقش پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی

در این بخش نحوه نقش‌آفرینی پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده در سیاست خارجی و امنیتی آن کشور در قبال جمهوری اسلامی و تداوم تخاصم با جمهوری اسلامی ایران مورد بحث قرار می‌گیرد.

ایجاد «رژیم حقیقت» توسط پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده

به منظور تحلیل نقش پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده در سیاست خارجی و امنیتی آن کشور در قبال جمهوری اسلامی، در اولین گام می‌باید

به ایجاد «رژیم حقیقت» توسط پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده پرداخت. در این جا، مبحث رابطه «قدرت- شناخت» موضوعیت می‌یابد که توسط «میشل فوکو» محقق پست‌مدرن فرانسوی مطرح گردیده است. «فوکو» معتقد است: «اعمال قدرت بدون [دست‌یابی به] شناخت، غیرممکن است و [دست‌یابی به] شناخت [نیز] بدون [اعمال] قدرت، غیرممکن می‌باشد» (Foucault 1980: 52). بنابراین از منظر «فوکو»، منشأ حقیقت و شناخت [یا معرفت]، قدرت می‌باشد و شناخت [یا معرفت] نیز به قدرت اجازه اعمال شدن می‌دهد. «فوکو»، «شناخت» را نه به‌عنوان جست‌وجویی محض در پی رسیدن به «حقیقت»، که پیوندی میان روابط قدرت و جست‌وجوی اطلاعات توصیف می‌کند که وی آن را «قدرت/شناخت» می‌نامد.

این یک تحول نظری مهم در بحث «شناخت» می‌باشد، زیرا بر این موضوع که «شناخت» بی‌طرف نیست، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از منازعه بر سر قدرت می‌باشد، تأکید می‌کند. «فوکو» هم‌چنین توجهات را به سمت این موضوع جلب می‌کند که در تولید «شناخت»، ادعای قدرت [و اعمال قدرت] وجود دارد. از منظر «فوکو» استفاده از ترکیب تازه تأسیس «قدرت/شناخت» به‌منظور تأکید بر این مطلب که این دو عنصر به یکدیگر وابسته هستند، دقیق‌تر می‌باشد (Mills 2003: 69). [لازم به ذکر است که عمده مترجمان محترم، واژه «Knowledge» را به‌صورت «دانش» برگردان نموده‌اند که نگارندگان از یک نقطه‌نظر روابط بین‌المللی، «شناخت» را معادل دقیق‌تری برای «Knowledge» در نظر گرفته‌اند].

بنابراین قدرت تعیین می‌کند که بر چه چیزی برجسب «واقعیت» زده شود. منحصرأ چیزی می‌تواند تحت عنوان «واقعیت» شناخته شود که تأیید و اجازه صاحبان قدرت را داشته باشد. با عنایت به موارد فوق‌الذکر، می‌توان گفت که پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده که صاحب قدرت هستند، به‌واسطه اعمال قدرت، «رژیم حقیقت» و نوع خاصی از «شناخت» در مورد جمهوری اسلامی را ایجاد می‌نمایند و از این‌رو جمهوری اسلامی به‌عنوان پدیده‌ای «یاغی»، ددمنش، حامی تروریسم، برهم‌زننده نظم موجود، سرکوب‌گر، ستیزه‌جو،

دارای روحیه پرخاش‌گرانه و امثالهم» معرفی و شناخت جامعه و نخبگان ایالات متحده از جمهوری اسلامی بر همین مبنا شکل می‌گیرد. صاحبان قدرت (در این جا پیشه‌وران امنیت) اجازه نمی‌دهند که «واقعیتی» جز این از «حقیقت» جمهوری اسلامی طرح شود یا اجازه به رسمیت شناخته شدن داشته باشد.

لازم است که در این بخش چند مثال و مصداق را ذکر نماییم. پیش از ورود به بحث، ذکر این نکته ضروری است که مصداقی عینی پیشه‌وران امنیت عنوان شده در این پژوهش یعنی AIPAC، FDD، AEI، مدت‌های مدیدی است که در حال تولید محتوا با صبغه ذکر شده در مورد جمهوری اسلامی هستند. اشاره به ادبیات تولید شده در سالیان اخیر (یعنی سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱) تنها از باب ضرورت ذکر آثار نوین صورت پذیرفته است و اگر محدودیت‌های معمول مقالات علمی-پژوهشی نبود، می‌شد به بسیاری از آثار قدیمی‌تر در مورد جمهوری اسلامی ایران که توسط آن‌ها تولید گردیده نیز اشاره نمود.

به‌عنوان نمونه، در تارنمای «ایپیک» جمهوری اسلامی به‌عنوان یک کشور حامی تروریسم معرفی گردیده است تا «رژیم حقیقت» و نوع خاصی از «شناخت» در مورد جمهوری اسلامی را ایجاد نماید. از این رو جمهوری اسلامی را به‌عنوان پدیده‌ای «حامی تروریسم» معرفی نماید و شناخت جامعه و نخبگان ایالات متحده از جمهوری اسلامی را بر همین مبنا شکل دهد: «در لبنان، سوریه، عراق و غزه، نیروهای ایرانی و نیروهای نیابتی تروریست [آن کشور] در تلاش هستند تا اسرائیل را با تسلیحات پیشرفته‌تر، محاصره کنند و برای درگیری گسترده بعدی علیه دولت یهود آماده شوند. حماس، جهاد اسلامی فلسطین، حزب... [لبنان] و شبه‌نظامیان ایرانی در سوریه بارها آغازگر حمله به دولت یهود بوده‌اند و دائماً در تلاش هستند تا توان‌مندی‌های خود را ارتقا دهند. ایالات متحده می‌باید مانع حمایت ایران از گروه‌های تروریستی شده و به حمایت از حق و توانایی اسرائیل در راستای دفاع از شهروندان خود و ارتقا منافع آمریکا ادامه دهد» (American Israel Public Affairs Committee 2020 a). به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، «بنیاد دفاع از دموکراسی (FDD)» در یکی از

محتواهای تولیدی خود درباره جمهوری اسلامی ایران، در اتهامی آشکار و اثبات نشده و بدون ذکر خدمات ارائه شده به مردم شریف خوزستان، جمهوری اسلامی را به‌عنوان دولتی سرکوب‌گر که از تبعیض نژادی علیه مردم خود (عرب‌های خوزستان) حمایت می‌نماید، معرفی می‌کند تا «رژیم حقیقت» و نوع خاصی از «شناخت» در مورد جمهوری اسلامی را ایجاد نموده و از این‌رو جمهوری اسلامی را به‌عنوان پدیده‌ای «ددمنش و سرکوب‌گر» معرفی نماید و شناخت جامعه و نخبگان ایالات متحده از جمهوری اسلامی را بر همین مبنا شکل دهد. FDD می‌نویسد:

«برای دهه‌ها، تهران عمداً تلاش نموده تا اکثریت قومی اهوازی در خوزستان را به‌دلیل اهمیت راهبردی این استان کم‌رنگ سازد. رژیم به‌دلایل جمعیت‌شناسانه، برنامه‌هایی را به‌منظور تشویق فارس‌ها و دیگر غیرعرب‌[زبانان] جهت [مهاجرت و] انتقال به این استان اجرا می‌کند. عرب زبانان اهوازی در صنعت نفت و گاز خوزستان در هنگام استخدام با تبعیض مواجه هستند. ساکنان فارس زبان، مشاغل پردرآمد را در اختیار دارند، در حالی که اهوازی‌ها بیشتر کارگران یقه‌آبی [، کارگرانی که به کارهای دستی و متکی بر زور بازو مشغول هستند و به‌صورت ساعتی دستمزد دریافت می‌کنند] را تشکیل می‌دهند» (Shaffer July 18, 2021).

به‌عنوان نمونه سوم؛ «موسسه امریکن اینترپرایز (AEI)» در یکی از محتواهای تولیدی خود درباره جمهوری اسلامی ایران به قلم یکی از محققان خود به‌نام «نیکلاس کارل»، بدون توجه به دکترین جمهوری اسلامی ایران در مورد خلیج فارس و تنگه هرمز (یعنی استراتژی امنیت یا برای همه یا برای هیچ‌کس)، جمهوری اسلامی را به‌عنوان دولتی برهم‌زننده نظم موجود و ستیزه‌جو که از موقعیت جغرافیایی خود در تنگه هرمز و خلیج فارس سوءاستفاده می‌نماید، معرفی می‌کند تا «رژیم حقیقت» و نوع خاصی از «شناخت» در مورد جمهوری اسلامی را ایجاد نموده و از این‌رو جمهوری اسلامی را به‌عنوان پدیده‌ای «یاغی، برهم‌زننده نظم موجود، ستیزه‌جو و پرخاش‌گر» معرفی نماید و شناخت جامعه و نخبگان ایالات متحده از جمهوری اسلامی را بر همین

مبنا شکل دهد. AEI عنوان می‌دارد:

«رژیم ایران در طول تاریخ از تنگه هرمز که ادعا می‌کند در آن دارای درجه‌ای از حاکمیت است، به منظور [اعمال] فشار بر رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی خود از جمله ایالات متحده استفاده نموده است. نیروهای ایرانی سال‌ها کشتی‌های نیروی دریایی آمریکا و بریتانیا را در آن جا [، یعنی تنگه هرمز] مورد آزار و تحریک قرار داده‌اند و [به بهانه رعایت مقررات] ترافیک دریایی، تهدید به بستن تنگه نموده و خطوط کشتی‌رانی بین‌المللی را به‌عنوان بخشی از واکنش ایران به کمپین «فشار حداکثری» ایالات متحده مورد حمله قرار می‌دهند» (Carl, September 22, 2020).

اگر فرض کنیم که پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده اجازه دهند نوع دیگری از «شناخت» در مورد جمهوری اسلامی به‌عنوان «کشوری مستقل، دارای جهت‌گیری تدافعی (و نه تهاجمی)، مخالف با پدیده تروریسم، حامی ملت‌های محروم، مخالف استعمار و استثمار و امثالهم» اجازه طرح شدن و رسمیت یافتن بیابد، بدیهی است که شناخت جامعه و نخبگان ایالات متحده از جمهوری اسلامی نیز تغییر خواهد یافت. مطالب این بخش را با ذکر نکات «فوکو» درباره ایجاد «شناخت» به پایان می‌بریم. «فوکو» معتقد است در مواردی که عدم تعادل در روابط قدرت بین گروه‌هایی از مردم یا بین نهادها/ دولت‌ها وجود داشته باشد، ایجاد «شناخت» وجود خواهد داشت.

«فوکو» استدلال می‌کند که به‌دلیل عدم تعادل نهادینه‌شده در روابط قدرت بین زن و مرد در کشورهای غربی، اطلاعاتی در مورد زنان تولید می‌شود. بنابراین، ما کتاب‌های بسیاری در مورد زنان در کتاب‌خانه‌ها می‌بایم، اما تعداد کمی کتاب در مورد مردان وجود دارد و به‌همین ترتیب، کتاب‌های بسیاری در مورد طبقات کارگر وجود دارد، لکن تعداد کمی کتاب در مورد طبقات متوسط در کتاب‌خانه‌ها یافت می‌شود. [هم‌چنین] کتاب‌های زیادی در مورد مشکلات مردم سیاه وجود دارد، اما در مورد سفید پوستان وجود ندارد. (Mills 2003: 69). بنابراین می‌توان موضوع ایجاد «رژیم حقیقت» توسط پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده و تولید محتواهای بی‌شمار در مورد

جمهوری اسلامی (اعم از کتاب؛ گزارش خبری نوشتاری، دیداری و شنیداری؛ گزارش تحلیلی نوشتاری، دیداری و شنیداری؛ و...) را از این منظر نیز مورد بررسی قرار داد.

معرفی و (بر)ساخت [یا تکوین] جمهوری اسلامی به‌عنوان یک «تهدید» توسط پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده

به‌واسطه «رژیم حقیقت» ایجاد شده و برچسب «واقعیت» زدن به نوع خاصی از «شناخت» در مورد جمهوری اسلامی یعنی پدیده‌ای «یاغی، ددمنش، حامی تروریسم، برهم‌زننده نظم موجود، سرکوب‌گر، ستیزه‌جو، دارای روحیه پرخاش‌گرانه و امثالهم»، پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده در گام بعدی جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک «تهدید» و به‌تعبیر دقیق‌تر، یک پدیده موجد ناامنی برای ایالات متحده (منافع، ملت و متحدان آن) تعریف و (بر)ساخته می‌نمایند. «استریتزل و اشمیتگن» در مقاله خود در کتاب «نظریه امنیتی کردن: معضلات امنیتی چگونه پدیدار و حل می‌شوند؟» که می‌توان آن را انجیل نظریه «امنیتی کردن از منظر مکتب پاریس» دانست، به نکات مهمی اشاره می‌نمایند که می‌تواند به بحث حاضر کمک نماید. این محققان معتقدند که تحلیل جامعه-زبان‌شناختی استعاره دولت‌های یاغی عمدتاً به جای‌گیری تصویر تهدید دولت‌های یاغی در گفتمان سنت استثنائگرایی آمریکایی مربوط می‌باشد.

بنابراین، در زمینه ایالات متحده، تصویر تهدید می‌تواند به‌عنوان یک مخزن زبان‌شناختی مؤثر باشد، از لحاظ احساسی قوی و متقاعدکننده بوده و قادر به ساخت یک ائتلاف قوی و ناهم‌گون از حمایت می‌باشد. در گفتمان سیاست خارجی ایالات متحده، استثنائگرایی آمریکایی منجر به چارچوب‌های «مانوی» می‌گردد که نتیجه آن این می‌شود که دشمنان ایالات متحده اغلب به‌عنوان نماینده‌ای از یک نظام شر به تصویر کشیده می‌شوند که با ارزش‌هایی که ایالات متحده برای آن‌ها ایستاده است، مخالف می‌باشند (Stritzel & Schmittghen 2011: 179).

در موضوع جمهوری اسلامی نیز دقیقاً همین فرآیند تکرار می‌گردد. یعنی

به واسطه «رژیم حقیقت» ایجاد شده توسط پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده، تصویری از جمهوری اسلامی در گفتمان استثنائگرایی آمریکایی جای‌گیری شده و جمهوری اسلامی به‌عنوان نماد شر، به‌مثابه یک «تهدید» متوجه ایالات متحده به‌مصداق نماد خیر، (بر)ساخته و تعریف می‌شود. به‌عنوان نمونه، «ایپک» جمهوری اسلامی را به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدید متوجه ایالات متحده و اسرائیل معرفی می‌نماید: «ایران هم‌چنان بزرگ‌ترین [و مهم‌ترین] تهدید بلند مدت [متوجه] اسرائیل و آمریکا در خاورمیانه می‌باشد». (American Israel Public Affairs Committee 2020 c) «موسسه امریکن اینترپرایز (AEI)» نیز ایران را یکی از «تهدیدهای حیاتی [و مهم متوجه ایالات متحده]» معرفی نموده است (American Enterprise Institute 2021 a).

الف. امنیتی‌کردن جمهوری اسلامی

اگرچه «امنیتی‌کردن» در مکاتب کپنهاگ و پاریس تفاوت‌هایی با یک‌دیگر دارند، لکن این نکته که در «امنیتی‌کردن»، خود «تهدید» به‌ما هو تهدید، به‌صورت فی‌الذات، مهم نیست، بلکه پرسش «چه موقع و تحت چه شرایطی، چه کسی چه موضوعی را امنیتی می‌کند؟» (Buzan & Wæver 2003: 71) مهم می‌باشد، هم توسط مکتب کپنهاگ و هم توسط مکتب پاریس تصدیق شده است. بنابراین، تعریف و (بر)ساخت [یا تکوین] جمهوری اسلامی به‌عنوان یک تهدید توسط پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده بدون امنیتی‌کردن جمهوری اسلامی فاقد اثرگذاری لازم خواهد بود. بدین‌گونه، بازیگر امنیتی‌کننده (در این جا پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده)، موضوع امنیتی (در این جا «جمهوری اسلامی») را تهدیدی برای بقای یک مرجع (در این جا منافع، ملت و متحدان ایالات متحده) تعریف می‌نماید که حق بقا دارند. در بقا، نقطه‌ای بدون بازگشت وجود دارد که نشان می‌دهد برای عمل کردن خیلی دیر شده است، لذا نمی‌توان این موضوع را به سیاست عادی محول کرد. به این دلیل بخش امنیتی‌کننده اعلام می‌کند که به‌منظور بقای مرجع، لازم است که از ابزارهای غیرعادی و نقض قواعد عادی، استفاده شود. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که «مخاطب» امنیتی‌کردن جمهوری اسلامی

توسط پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده، نخبگان ایالات متحده اعم از دولت مردان، سیاست‌گذاران، محققان و ... می‌باشند. به‌عنوان نمونه، «ایپک» ضمن امنیتی کردن برنامه هسته‌ای ایران، از ایالات متحده می‌خواهد که مانع آن‌چه که این موسسه دست‌یابی ایران به تسلیحات هسته‌ای می‌خواند، شود. اگرچه «ایپک» از تهاجم نظامی ایالات متحده به برنامه هسته‌ای ایران سخنی به‌میان نمی‌آورد، لکن پر واضح است که ممانعت از دست‌یابی ایران به تسلیحات هسته‌ای می‌تواند شامل گزینه نظامی نیز گردد: «ایران هسته‌ای خطری مستقیم برای منافع آمریکا و تهدیدی وجودی متوجه اسرائیل می‌باشد. ایالات متحده می‌باید به‌صورتی استوار [و توأم با ثبات قدم] سیاست خود در راستای ممانعت از دست‌یابی ایران به توان‌مندی [ساخت] تسلیحات هسته‌ای را حفظ کند» (American Israel Public Affairs Committee 2020 c). این رویه امنیتی کردن جمهوری اسلامی عیناً توسط دیگر اندیشکده‌های آمریکایی تکرار و بازتولید می‌گردد.

ب. تعریف شیوه‌های مقابله با جمهوری اسلامی

پس از ایجاد «رژیم حقیقت» و برچسب «واقعیت» زدن به نوع خاصی از «شناخت» در مورد جمهوری اسلامی یعنی پدیده‌ای «یاغی، ددمنش، حامی تروریسم، برهم‌زننده نظم موجود، سرکوب‌گر، ستیزه‌جو، دارای روحیه پرخاش‌گرانه و امثالهم» (به‌عنوان گام اول)؛ تعریف و (بر)ساخت [یا تکوین] جمهوری اسلامی به‌عنوان یک «تهدید» متوجه منافع، ملت و متحدان ایالات متحده (به‌عنوان گام دوم)؛ و امنیتی کردن جمهوری اسلامی (به‌عنوان گام سوم)؛ پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده در چهارمین گام شیوه‌های مقابله با جمهوری اسلامی به‌مثابه یک تهدید را تعریف می‌نمایند.

بنابراین پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده، به‌واسطه اعمال قدرت و پس از آن‌که ادعای خود در مورد «شناخت» جمهوری اسلامی را تثبیت نمودند و پس از آن‌که ادعای آن‌ها به‌رسمیت شناخته شد، می‌توانند شیوه‌های مقابله با جمهوری اسلامی به‌مثابه یک «تهدید» را تعریف نمایند. این‌گونه است که سیاست‌هایی نظیر تهاجم نظامی و تهدید به‌آن، تغییر نظام، مهار، تحریم

و نفوذ به‌عنوان تنها راه کارهای مقابله با تهدید جمهوری اسلامی تعریف و تثبیت می‌شود و دولت مردان و سیاست‌مداران ایالات متحده ضمن پذیرش و تصویب این شیوه‌ها، آن‌ها را در سیاست‌های خود در قبال جمهوری اسلامی اعمال می‌نمایند.

به‌عنوان نمونه، در کتابی که توسط «موسسه بروکینگز» و به‌منظور معرفی جمهوری اسلامی ایران به نخبگان ایالات متحده منتشر گردیده، در مورد کارآیی سیاست اعمال تحریم علیه ایران و در نتیجه توصیه به اعمال آن در مورد جمهوری اسلامی ایران آمده است: «استفاده از تحریم‌ها - بر اساس این فرض که تهران هم‌چنان بر اساس تحلیل عقلایی هزینه-فایده [عمل نموده و] حرکت می‌کند و حتی [اعمال] فشار شدید یک جانبه [بر ایران] می‌تواند مفیدتر از همکاری چند جانبه [به‌منظور مهار و تغییر رفتار ایران] واقع گردد - مکانیزم قابل اعتمادی برای ایالات متحده بوده است [که] از سال ۱۹۷۹ آغاز شده و در سال‌های پس از آن تصحیح [و کامل] شده است» (Hewitt & Nephew 2020: 93).

آخرین نکته‌ای که می‌باید بدان توجه ویژه مبذول نمود آن است که اگرچه پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده به‌واسطه اعمال قدرت، نوع خاصی از «شناخت» در مورد جمهوری اسلامی را تثبیت می‌نمایند، لکن نباید از یاد برد که مطابق تعریف «فوکو»، این نوع «شناخت» نیز به افزایش قدرت پیشه‌وران امنیت کمک می‌نماید. وقتی جمهوری اسلامی به‌عنوان یک تهدید (بر) ساخته شد و تکوین یافت و شیوه‌های مقابله با آن تعریف گردید، آن‌گاه دولت مردان و سیاست‌مداران ایالات متحده نیاز به تولید محتواهای بیش‌تر و بیش‌تر در مورد جمهوری اسلامی به‌عنوان یک «تهدید» پیدا خواهند نمود و این موضوع به‌نوبه خود به افزایش قدرت و ثروت پیشه‌وران امنیت خواهد انجامید.

بررسی امکان تغییر در سیاست‌های ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی

با عنایت به گام‌های چهارگانه پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده می‌توان گفت تا زمانی که: (۱) «رژیم حقیقت» ایجاد شده توسط پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده در مورد جمهوری اسلامی تغییر ننماید و انواع دیگری از

«شناخت» در مورد جمهوری اسلامی اجازه به رسمیت شناخته شدن نداشته باشد؛ و/یا ۲) تعریف ارائه شده از جمهوری اسلامی به عنوان یک تهدید و روش‌های مقابله با این تهدید توسط پیشه‌وران امنیت از طرف دولت مردان و سیاست‌مداران مختلف ایالات متحده رد نگردد؛ احتمال و امکان تغییر ماهوی در سیاست‌های ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی وجود نخواهد داشت.

در مقابل این فرضیه فرعی که با چارچوب قرار دادن مبانی مکتب پاریس تنظیم گردیده، ممکن است پاره‌ای از محققان به موضوع «برجام» و در پیش گرفته شدن سیاست «تعامل دیپلماتیک» با جمهوری اسلامی در دولت دوم «اوباما» اشاره نموده و آن را نقیضی بر فرضیه فرعی ارائه شده در نظر بگیرند. در پاسخ باید به این نکته اشاره نمود که: اولاً) در فرضیه ارائه شده به عبارت «تغییر ماهوی» اشاره شده است. نباید از یاد برد که با امضای برجام، دیگر سیاست‌های اعمالی ایالات متحده نظیر تهدید به تهاجم نظامی و تحریم از روی میز کنار گذاشته نشد.

به عنوان نمونه، پس از امضای برجام، اعلام وضعیت اضطراری ملی در مورد ایران که مطابق آن ایران به عنوان یک تهدید غیر معمول و فوق العاده متوجه امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصاد ایالات متحده معرفی شده، دو بار در تاریخ‌های ۹ مارس ۲۰۱۶ (۱۹ اسفند ۱۳۹۴) و ۱۳ ژانویه ۲۰۱۷ (۲۴ دی ۱۳۹۵) توسط «اوباما» تمدید گردید. نکته جالب آن جا است که در هر دو بار تمدید، اولی در قالب نامه به رهبران کنگره و دومی در قالب اطلاعیه رسمی، به موضوع «برجام» و روز اجرای آن در تاریخ ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ (۲۶ دی ۱۳۹۴) اشاره گردیده بود (Obama, March 09, 2016) (Obama, January 13, 2017).
ضمناً حتی پس از امضای برجام در دولت «اوباما»، نام ایران از فهرست کشورهای حامی تروریسم که توسط وزارت خارجه ایالات متحده منتشر می‌گردد، حذف نگردید.

ثانیاً) فرضیه فرعی فوق در دوگانه ساختار-کارگزار به عنوان یکی از ارکان اصلی هستی‌شناختی، قائل به برهم کنش ساختار و کارگزار می‌باشد. کارگزار

در این جا دولت مردان و سیاستمداران مختلف ایالات متحده) اسیر صرف محدودیت‌های ساختاری نیست، بلکه می‌تواند به واسطه عدم پذیرش تعریف پیشه‌وران امنیت در معرفی جمهوری اسلامی به‌عنوان یک تهدید یا وضعیت ناامنی متوجه ایالات متحده و راه کارهای ارائه شده توسط این پیشه‌وران جهت مقابله با جمهوری اسلامی، نقش کارگزاری ایفا نماید.

نتیجه‌گیری

«مکتب پاریس» یا «جامعه‌شناسی سیاسی بین‌المللی (IPS)»، به واسطه دارا بودن انگاره‌ها و مفاهیم عمیقی نظیر «امنیتی کردن»، «پیشه‌وران امنیت»، «تمرکز بر security (in) یا امنیت برای عده‌ای و (هم‌زمان) ناامنی برای عده‌ای دیگر»، «حمایت از ادغام قلمرو داخلی و بین‌المللی»، «نقد مفهوم مرز»، «تعریف کارکردهایی متفاوت از کارکردهای فعلی برای پلیس و ارتش»، «توجه به تهدیدهای با عیار جدید [یا تهدیدهای فراگذرنده]»، به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش حاضر انتخاب گردید. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده با انجام چهار اقدام به سیاست‌های دولت مردان و سیاستمداران مختلف ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی شکل می‌دهند و از این‌رو نقشی انکارناپذیر در تداوم تخاصم ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایفا می‌نمایند.

ضمناً به‌واسطه بررسی و تدقیق در امکان تغییر در سیاست خارجی و امنیتی ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی، (البته با بهره‌گیری از چارچوب نظری مکتب پاریس)، این فرضیه فرعی ارائه گردید تا زمانی که: ۱) «رژیم حقیقت» ایجاد شده توسط پیشه‌وران امنیت در ایالات متحده در مورد جمهوری اسلامی تغییر ننماید و انواع دیگری از «شناخت» در مورد جمهوری اسلامی اجازه به رسمیت شناخته شدن نداشته باشد؛ و/یا ۲) تعریف ارائه شده از جمهوری اسلامی به‌عنوان یک تهدید و روش‌های مقابله با این تهدید توسط پیشه‌وران امنیت از طرف دولت مردان و سیاستمداران مختلف ایالات متحده رد نگردد؛ احتمال و امکان تغییر ماهوی در سیاست‌های ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی وجود نخواهد داشت.

به نظر می‌رسد «مکتب پاریس» به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش حاضر توانسته به‌خوبی از عهده پاسخ‌گویی به سؤال اصلی و فرعی پژوهش برآید. تعریف متفاوتی که این مکتب از «امنیت» ارائه می‌دهد می‌تواند بسیاری از مسائل مبتلابه حوزه «تحلیل سیاست خارجی (FPA)» و «مطالعات امنیتی» نظیر مهاجرت، بزه‌کاری، بیکاری، خارجی‌ها، قاچاق مواد مخدر، تروریسم و جنگ را تحلیل نماید.

منابع

مصلحي، حيدر و رضايي، نيماس (۱۳۹۹)، درآمدي بر نظريه‌ها، مکتب و رو يکردها در باب «امنيت»: اسلام و غرب. تهران: نشر دا.

American Enterprise Institute (2021). About. Retrieved from The American Enterprise Institute (AEI) website: <https://www.aei.org/about/>

American Enterprise Institute (2021 a). Critical Threats: Iran. Retrieved from The American Enterprise Institute (AEI) website: <https://www.criticalthreats.org/locations/iran>

American Israel Public Affairs Committe (2020). About Us: Our Mission. Retrieved from The American Israel Public Affairs Committee (AIPAC) website: <https://www.aipac.org/about>

American Israel Public Affairs Committe (2020 a). Policy Agenda: Advancing the U.S.-Israel Relationship. Retrieved from The American Israel Public Affairs Committee (AIPAC) website: <https://www.aipac.org/policy>

American Israel Public Affairs Committe (2020 b). Policy Agenda: Combating Terrorism. Retrieved from The American Israel Public Affairs Committee (AIPAC) website: <https://www.aipac.org/policy>

American Israel Public Affairs Committe (2020 c). Policy Agenda: Countering Iran's Nuclear Ambitions. Retrieved from The American Israel Public Affairs Committee (AIPAC) website: <https://www.aipac.org/policy>

Bigo, D. (2008). International Political Sociology. In Paul D. Williams. Security Studies: an introduction. London and New York: Routledge.

Bigo, D. (2000). When two become one: internal and external securitisations in Europe. In Morten Kelstrup & Michael C. Williams. *International Relations Theory and the Politics of European Integration: Power, security and community*. London & New York: Routledge.

Buzan, B., & Wæver, O. (2003). *Regions and powers: The structure of international security*. Cambridge & New York: Cambridge University Press.

C.A.S.E. Collective (2006). Critical approaches to security in Europe: a networked manifesto. *Security Dialogue*, Vol. 37, No. 4: 443-487

Carl, N. (September 22, 2020). The growing Iranian threat around the Strait of Hormuz. Retrieved from The American Enterprise Institute (AEI) website: <https://www.criticalthreats.org/analysis/the-growing-iranian-threat-around-the-strait-of-hormuz>

Foucault, M. (1980). Prison talk. In Colin Gordon, Leo Marshall, John Mepham & Kate Soper. *Power/knowledge: selected interviews and other writings, 1972-1977*. New York: Pantheon Books.

Foundation for Defense of Democracies (2020). About Us: Our Mission. Retrieved from The Foundation for Defense of Democracies (FDD) website: <https://www.fdd.org/projects/iran-program/>

Foundation for Defense of Democracies (2020 a). Iran Program. Retrieved from The Foundation for Defense of Democracies (FDD) website: <https://www.fdd.org/projects/iran-program/>

Hewitt, K., & Nephew, R. (2020). The Revolution and Washington's Reliance on Economic Pressure. In Suzanne Maloney. The Iranian Revolution at Forty. Washington D.C.: Brookings Institution Press.

Huysmans, J. (2006). The Politics of Insecurity: Fear, migration and asylum in the EU. London & New York: Routledge.

Huysmans, J. (2004). Minding Exceptions: Politics of Insecurity and Liberal Democracy. Contemporary Political Theory, Vol. 3, No. 3, pp. 321-341.

Mills, S. (2003). Michel Foucault. London & New York: Routledge.

Obama, B. (January 13, 2017). Notice—Continuation of the National Emergency With Respect to Iran. Retrieved from The American Presidency Project website: <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/notice-continuation-the-national-emergency-with-respect-iran-19>

Obama, B. (March 09, 2016). Letter to Congressional Leaders on Continuation of the National Emergency With Respect to Iran. Retrieved from The American Presidency Project website: <https://www.presidency.ucsb.edu/documents/letter-congressional-leaders-continuation-the-national-emergency-with-respect-iran-11>

Shaffer, B. (July 18, 2021). The Impact of the Ahwaz protests in Iran. Retrieved from The Foundation for Defense of Democracies (FDD) website: <https://www.fdd.org/analysis/2021/07/18/the-impact-of-the-ahwaz-protests-in-iran/>

Stevens, D., & Vaughan-Williams, N. (2016). *Everyday security threats: Perceptions, experiences, and consequences*. Manchester: Manchester University Press.

Stritzel, H., & Schmittghen, D. (2011). *Securitization, culture and power: rogue states in US and German discourse*. In Thierry Balzacq. *Securitization Theory: How security problems emerge and dissolve*. New York, NY: Routledge.

Wæver, O. (2004). *Aberystwyth, Paris, Copenhagen New 'Schools' in Security Theory and their Origins between Core and Periphery*. Paper presented at the annual meeting of the International Studies Association, Montreal, March 17-20, 2004